

## آزمون مدل علی رابطه بین "سبک دلبستگی، مهارت ارتباطی، ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی همسران"، ارتباط مؤثر همسران و رابطه مادر - فرزندی در کودکان

ربابه عطایی فر<sup>1</sup>

دکترشعله امیری<sup>2</sup>

### چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی ارتباط سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های ارتباطی و رضایت جنسی همسران با توجه به نقش واسطه‌ای رابطه مؤثر همسران بارابطة مادر- کودک است. روش پژوهش براساس هدف از نوع پژوهش همبستگی است و در طرح پژوهش از تحلیل ماتریس کوریانس (تحلیل مدل معادلات ساختاری) استفاده شد. براین اساس، 260 نفر (مادر و کودک) به روش نمونه‌گیری تصادفی مبتنی بر سهم انتخاب شده‌اند. آزمودنی‌ها (مادر و کودک)، پرسشنامه‌های الگوی ارتباط همسران (کریستنسن و سالوی، 1991)، سبک دلبستگی بزرگسالان (برنان، فرالی و والر، 2000)، مهارت‌های ارتباطی (عطارها و کرمی، 1389)، پنج عامل شخصیت (مک کری و کاستا، 1999)، رضایت جنسی (لارسون و همکاران، 1998) و رابطه والد-فرزندی (فاین، مورلند و شویل، 1983) را تکمیل کردند. تحلیل داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری صورت گرفت. پس از تهیه و تنظیم ماتریس همبستگی کلیه متغیرهای مورد پژوهش، با اجرای الگوی معادلات ساختاری مشخص شد که الگوی پیشنهادی از برازش خوبی بهره‌مند بوده و رابطه مادر- کودک از طریق متغیرهای سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های ارتباطی و رضایت جنسی همسران و متغیر میانجی رابطه مؤثر همسران پیش‌بینی و تبیین شده است. بیشترین اثر مثبت معنا دار بر سازه ارتباط همسران به ترتیب مربوط به سازگاری، رضایت جنسی، مهارت‌های ارتباطی و دلبستگی ایمن و بیشترین اثر منفی مربوط به روان‌رنجورخویی در همسران است و همچنین در رابطه با سازه رابطه

<sup>1</sup> - دانش آموخته دوره دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اصفهان (خوراسگان)، گروه روانشناسی، اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول: [Ataeeffarr@gmail.com](mailto:Ataeeffarr@gmail.com)

<sup>2</sup> - دانشیار، دکتری تخصصی روانشناسی، دانشگاه اصفهان، گروه روانشناسی و علوم تربیتی اصفهان، ایران.

مادر- فرزندی، بیشترین اثر مثبت معنا دار به ترتیب مربوط به سازگاری و رضایت جنسی و بیشترین اثر منفی معنا دار به ترتیب مربوط به روان رنجورخویی و دلبستگی اضطرابی در مادر است. نتایج یافته های تحقیق نشان داد، روان رنجوری زنان منجر به کاهش رابطه مؤثر همسران و سازگاری، رضایت جنسی، مهارت های ارتباطی و دلبستگی ایمن زنان، این رابطه را افزایش می دهد. در ارتباط مادر با کودک، سازگاری و رضایت جنسی مادر منجر به افزایش و روان رنجوری و دلبستگی اضطرابی مادر منجر به کاهش رابطه مادر با کودک می شود.

**واژه های کلیدی:** رابطه مؤثر همسران، رابطه مادر-کودک، سبک دلبستگی، مهارت ارتباطی، ویژگی شخصیتی، رضایت جنسی

## مقدمه

رابطه بین والدین و فرزندان، نخستین معرف دنیای ارتباطات برای کودک می باشد. احساس عشق و صمیمیت و امنیت به طور مستقیم، ریشه در این روابط دارند (کارنز- هالت<sup>1</sup>، 2012). از طرفی روابط زناشویی رضایت بخش، سنگ زیرین عملکرد خوب خانواده را بنا می نهد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم، فرزندپروی مؤثر را تسهیل کرده، روابط فرزندان با یکدیگر و با والدین را بهبود می بخشد و باعث رشد شایستگی، توانایی سازگاری و انطباق در کودکان می شود (الری و وایدر<sup>2</sup>، 200). مکانیسم هایی برای انتقال کیفیت روابط همسران<sup>3</sup> به روابط والد- کودک<sup>4</sup> ارائه شده است:

**الف) الگوگیری<sup>5</sup>:** در این مکانیسم که از نظریه یادگیری اجتماعی استنتاج شده، تأکید بر تقلید کودکان از والدین خود دارد. بلسکی<sup>6</sup> (1990) معتقد است، رفتارهای پرخاشگرانه و خصمانه والدین به هنگام اختلاف، الگوهای ناسازگارانه ای از حل مسأله و حل تضاد برای کودکان فراهم می نماید.

**ب) تنیدگی زا بودن<sup>7</sup> مشکلات زناشویی:** در این مکانیسم، مشکلات همسران به عنوان عامل تنیدگی زا، در نظر گرفته شده است. همسرانی که در روابط خود با مشکلاتی

<sup>1</sup> - Carnes-Holt

<sup>2</sup> - O'leary & Vidair

<sup>3</sup> - Spouses communication

<sup>4</sup> - Parent-Child Relationship

<sup>5</sup> - Modeling

<sup>6</sup> - Belsky

<sup>7</sup> - stressful Being

روبرو هستند، تحت شرایط تنیدگی‌زا می‌باشند و قادر نیستند به صورت مناسب و با حساسیت به نیازها و خواسته‌های فرزندشان پاسخ دهند. بنابراین اختلافات زناشویی، می‌تواند مشکلاتی در روابط والد-کودک ایجاد کند (ارل و برمن<sup>1</sup>، 1995). در این میان الگوهای روابط همسران، یعنی الگوهای درونی شده‌ای که هر زوج، با خود به روابط زناشویی می‌آورد، در رابطه همسران و به دنبال آن، در رابطه والد فرزندی تأثیر می‌گذارد. مقایسه الگوهای ارتباطی همسران، در دو دسته از ازدواج‌های موفق و ناموفق، یکی از اهداف مهم پژوهش‌ها در حوزه مشاوره خانواده و ازدواج است.

در این زمینه، پژوهش‌های متعددی انجام گرفته و الگوهای ارتباطی زیادی توسط متخصصین شناسایی شده است. یکی از این الگوها، الگوی ارتباطی مطرح شده کریستنسن و سالووی<sup>2</sup> (1984) است که شامل الگوی سازنده<sup>3</sup> متقابل (الگوی ارتباط مؤثر<sup>4</sup>)، الگوی اجتنابی متقابل<sup>5</sup> و الگوی توقع/کناره‌گیری<sup>6</sup> (الگوی ارتباط نامؤثر) می‌باشد. الگوی سازنده متقابل، الگویی است که در آن، همسران سعی می‌کنند در مورد مشکل و مسأله‌ای که در حین ارتباط برای آنها به وجود می‌آید، بحث و گفتگو کنند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز و راه‌حلی برای مشکلاتشان پیدا نمایند (سانفورد<sup>7</sup>، 2010). در الگوی اجتنابی متقابل، همسران از بحث کردن با هم اجتناب می‌کنند (هیوی و همکاران<sup>8</sup>، 1996) و در الگوی توقع/کناره‌گیری، یکی از همسران برای ایجاد تنوع و تغییر یا بحث در مسأله، سعی می‌کند و دیگری از تعامل با همسر، خودداری می‌کند (گارمن<sup>9</sup>، 2008). از طرفی بررسی الگوی ارتباطی همسران و کیفیت زناشویی ممکن نیست، مگر آن که اجزای تشکیل دهنده رابطه زناشویی، عواملی را که بر آن تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند، به خوبی شناخته شوند. در این تحقیق از میان عوامل

<sup>1</sup>- Erel & Burman

<sup>2</sup>- Christensen & Sullaway

<sup>3</sup>- Mutual constructive communication

<sup>4</sup>- communication Mutual effective

<sup>5</sup>- Mutual avoidance communication

<sup>6</sup>- Mutual demand / with raw communication

<sup>7</sup>- Sanford

<sup>8</sup>- Heavey

<sup>9</sup>- Gurman

بسیار زیادی که بر چگونگی تعامل‌های همسران و رابطه مادر- فرزندی تأثیر می‌گذارند، نوع سبک دلبستگی<sup>1</sup>، ویژگی‌های شخصیتی<sup>2</sup>، مهارت‌های ارتباطی<sup>3</sup> و رضایت جنسی<sup>4</sup> همسران، مورد توجه قرار می‌گیرد.

یکی از مؤثرترین نظریه‌ها در مطالعه روابط بین فردی، نظریه دلبستگی است که بالبی و اینسورث<sup>5</sup> در فاصله سال‌های 1969 تا 1991 برای تبیین تفاوت‌های فردی شناخت، احساس و رفتار در بافت روابط نزدیک بزرگسالی و کودکی ارائه کردند. هازن و شیور و برادث<sup>6</sup> (1988) در پژوهش‌های خود، با مطرح کردن عشق احساسی، تداوم فرآیند دلبستگی را در بزرگسالی تأیید کردند و شکل‌گیری شیوه‌های ارتباطی سه‌گانه ایمن<sup>7</sup>، اجتنابی<sup>8</sup> (ناایمن<sup>9</sup>) و اضطرابی<sup>10</sup> (ناایمن) را که با سه شیوه اصلی دلبستگی دوره‌ی کودکی برابری دارند، بررسی نمودند. بررسی‌ها نشان داده که افراد دارای الگوی عملی درونی ایمن، اجتناب پایین در روابط و درگیری بیشتر در ارتباط زوجی دارند (هولیس و میلر<sup>11</sup>، 2005). این افراد، والدینی گرم و پاسخگو و درگیرتر هستند (وارد و کارلسون<sup>12</sup>، 1995 و فینی<sup>13</sup>، 2002). در مقابل افراد با سبک دلبستگی ناایمن، الگوهای مخربی از تعارض و فقدان مذاکره را در گفتگوهای خود نشان می‌دهند (فینی، نولر و کالان<sup>14</sup>، 1994). از طرفی افراد با سبک دلبستگی اضطرابی، پاسخ‌های متناقض و غیرقابل اطمینان و نامعتبری به استرس‌های کودک خود می‌دهند (میکولینسر و شیور<sup>15</sup>، 2003) و افراد با سبک دلبستگی اجتنابی، پاسخ‌های سازگار اما منفی به کودک می‌دهند (سرد، غیرصمیمی و از روی خشم). سبک دلبستگی اجتنابی با حساسیت پایین مادرانه

<sup>1</sup> - Attachment style

<sup>2</sup> - personality traits

<sup>3</sup> - Communication skills

<sup>4</sup> - sexual satisfaction

<sup>5</sup> - Bowlby & Ainsworth

<sup>6</sup> - Hazan, shaver & Bradshaw

<sup>7</sup> - Secure

<sup>8</sup> - avoidant

<sup>9</sup> - un secure

<sup>10</sup> - Anxiety

<sup>11</sup> - Hollist & Miller

<sup>12</sup> - Ward & Carlson

<sup>13</sup> - Feeney

<sup>14</sup> - Noller & Callan

<sup>15</sup> - Milkulincer & shaver

ارتباط دارد (سلکوک و همکاران<sup>1</sup>، 2010). عامل مهم دیگر در ارتباط همسران، مهارت آنها در برقراری ارتباط می باشد. مهارت های ارتباطی، توانایی های اختصاصی هستند که به افراد کمک می کنند تا در پیام هایی که به صورت نمادین به شخص دیگر می رسانند، با کفایت عمل کنند و احساسات مثبت و لذت بخش، در طرف مقابل را ایجاد نمایند (کارنی و برادبوری<sup>2</sup>، 2000). اجسی و جنکوز<sup>3</sup> (2011)، مهارت های ارتباطی را در رضایت همسران از ارتباطشان، مؤثر می دانند. بسیاری از شواهد تجربی نشان می دهد که زوج های مشکل دار، در بیان افکار و احساسات، مهارت های گوش فرادادن و حل مشکل از انواع الگوهای منفی و غیرمؤثر برقراری ارتباط استفاده می کنند و بیشتر تمایل دارند از یکدیگر اجتناب کنند تا این که از راه مذاکره آن را حل کنند (کار<sup>4</sup>، 2001؛ اپشتاین و باکوم<sup>5</sup>، 2002 و والش<sup>6</sup>، 1998). از طرفی رانکن و همکاران<sup>7</sup> (2012) بر روی نقش مهارت های ارتباطی در پیشرفت کیفیت ارتباط و تعامل بین والد و فرزند تاکید دارند. آنها در تحقیق خود نشان دادند، والدینی که نمره بالایی در متغیرهای تعامل والد- کودک به دست آوردند، مهارت های ارتباطی بیشتری دارند از قبیل، ترجیح می دهند با کودک خود بدون موعظه صحبت کنند، صحبت هایی که آزار دهنده است را نمی گویند، به آنچه کودک می گوید، به دقت گوش می دهند، کودک را به صحبت کردن و بیان هیجانات و احساساتش تشویق می کنند. شخصیت همسران، یکی از عواملی است که سهم مهمی در زیربنای روان شناختی روابط پایدار دارد و پیش بینی کننده کلیدی برای روابط موفق یا ناکارآمد است (هوستون و هاوس<sup>8</sup>، 1998). در بررسی صفت روان رنجورخویی<sup>9</sup>، کاگلین و هوستون و هاوتس<sup>10</sup> (2000) در مطالعه سیزده ساله، به این نتیجه رسیدند که این افراد، عواطف منفی بیشتری را به همسران ابراز می کنند و از این طریق به شکل گیری الگوهای تعاملی منفی در روابط زناشویی کمک می کنند. پژوهش ها نشان می دهد، الگوهای ارتباطی اجتنابی و الگوی کناره گیری/توقع، در روان رنجورها

<sup>1</sup> - Selcuk et al

<sup>2</sup> - Kareny&Bradbury

<sup>3</sup> - Egeci&Gencoz

<sup>4</sup> - Carr

<sup>5</sup> - Epstein&Baucom

<sup>6</sup> - Walsh

<sup>7</sup> - Runcan et al

<sup>8</sup> - Huston& Houts

<sup>9</sup> - Neuroticism

<sup>10</sup> - Caughlin , Huston& Houts

دیده می شود (کاگلین و همکاران، 2000؛ دونلان و همکاران<sup>1</sup>، 2004). تلاش هدفمند برای حفظ و ثبات روابط زناشویی بیشتر (جارویس<sup>2</sup>، 2006)، خودداری از نشان دادن رفتارهای خشونت‌آمیز و مهار تکانه‌ها در روابط زناشویی (کوردک<sup>3</sup>، 1993) در افراد وظیفه شناس<sup>4</sup> دیده شده است. پژوهش‌ها، ارتباط الگوی ارتباط سازنده متقابل را با ویژگی وظیفه‌شناسی، نشان داده‌اند (دونلان و همکاران، 2004؛ انجل، اولسون و پاتریک<sup>5</sup>، 2002). پژوهش‌ها نشان می‌دهد، الگوی سازنده متقابل با تجربه‌پذیری<sup>6</sup> رابطه دارد (باس<sup>7</sup>، 1991؛ دونلان، کانگر و برنت<sup>8</sup>، 2004). پژوهش‌ها، ارتباط الگوی سازنده متقابل با توافق‌پذیری<sup>9</sup> (گرازینو و همکاران<sup>10</sup>، 1996؛ دونلان کانگر و برنت، 2004) و برونگرایی<sup>11</sup> (نارین، هندریک و هندریک<sup>12</sup>، 1998؛ واتسون، هوبارد و ویس<sup>13</sup>، 2000) را نشان داده‌اند. به طور کلی تحقیقات، وجود رابطه توافقی‌پذیری، وظیفه‌شناسی، ثبات هیجانی، برونگرایی و تجربه‌پذیری با رضایت ارتباط در همسران را نشان می‌دهد (هلر-واتسون و هایز<sup>14</sup>، 2004؛ بارلدز<sup>15</sup>، 2005؛ دیرین فورت و همکاران<sup>16</sup>، 2010؛ دیکوپتر، بویل و فروت<sup>17</sup>، 2012). از طرفی روهنر<sup>18</sup> (2007) معتقد است، مکانیسم‌های تأثیرگذار بر شخصیت والدین بر روی پذیرندگی و طردکنندگی آنها نسبت به فرزندان نشان تأثیر می‌گذارد. والدینی که سطوح بیشتری از توافق‌پذیری و برونگرایی و سطوح کمتری از روان رنجوری را نشان می‌دهند، فرزندی پروری گرمتر و ساختار یافته‌تری دارند. این والدین تعاملات مثبت بیشتری دارند و به اندازه کافی پاسخگو هستند (اسمیت و

---

<sup>1</sup> - Donnellane et al

<sup>2</sup> - Jarvis

<sup>3</sup> - Kurdek

<sup>4</sup> - Conscientiousness

<sup>5</sup> - Engel, Olson & Patrick

<sup>6</sup> - openness to experience

<sup>7</sup> - Buss

<sup>8</sup> - Donnellane, Conger & Bryant

<sup>9</sup> - Agreeable

<sup>10</sup> - Graziano et al

<sup>11</sup> - Extraversion

<sup>12</sup> - Taraban, Hendrick, S. S & Hendrick, c

<sup>13</sup> - Watson, Hubbard & wise

<sup>14</sup> - Heller, Watson & Hies

<sup>15</sup> - Barelds

<sup>16</sup> - Dyrenforth et al

<sup>17</sup> - Decuyper, De Bolle & De Fruyt

<sup>18</sup> - Rohner

همکاران<sup>1</sup>، (2007) و از شیوه‌های کنترل آمارانه‌تری استفاده می‌کنند (هیور و همکاران<sup>2</sup>، 2009).

رضایت جنسی، یکی دیگر از شاخص‌های مهم ازدواج موفق، بقا و سلامت خانواده محسوب می‌شود. ارتباط مؤثر همسران، برای ارتباط جنسی آنها مهم است و می‌تواند تحریک جنسی را ارتقا دهد و برای شروع یا امتناع از سکس لازم است (اسپرچر و مک کینی<sup>3</sup>، 1993). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد، رضایت جنسی همسران منجر به رابطه مؤثر همسران می‌گردد (بخشایش و مرتضوی، 1388؛ بارینتوس<sup>4</sup>، 2006). از طرفی هم برای مردان و هم برای زنان، رضایت از رابطه جنسی به طور معناداری با سطح کارکرد خانواده ارتباط دارد (گریف و مالهرب<sup>5</sup>، 2001).

با توجه به اهمیت رابطه همسران و رابطه والد فرزند در فرایند نظام خانواده، مسأله این است که آیا مدل یا الگویی وجود دارد که رابطه سبک دلبستگی، مهارت ارتباطی، ویژگی‌های شخصیتی و رضایت جنسی همسران را در رابطه بین ارتباط موثر همسران و رابطه مادر- فرزند، نشان دهد؟  
در این مورد، فرضیه زیر مطرح می‌گردد:

- 1- رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های ارتباطی، سبک دلبستگی و رضایت جنسی همسران با ارتباط همسران و با ارتباط والد-فرزند برحسب مدل یابی معادلات ساختاری از معناداری مطلوبی برخوردار است.
- 2- بین ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های ارتباطی، سبک دلبستگی و رضایت جنسی همسران با رابطه‌ی مادر فرزند با میانجی‌گری ارتباط موثر همسران، رابطه معنادار وجود دارد.

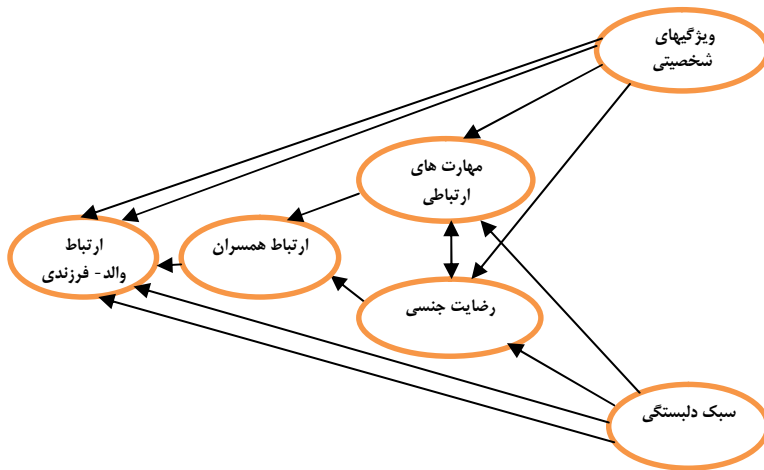
<sup>1</sup> - Smith et al

<sup>2</sup> - Huver et al

<sup>3</sup> - Sprecher & McKinney

<sup>4</sup> - Barrientos

<sup>5</sup> - Greeff & Malherbe



مدل پیشنهادی در مورد روابط ساختاری میان متغیرها

## ابزار و روش

روش پژوهش، از نوع پژوهش همبستگی است و در طرح پژوهش از تحلیل ماتریس کواریانس (تحلیل مدل معادلات ساختاری) استفاده شد. با توجه به اینکه روش برآورد پارامترها بیشینه درست‌نمایی بوده است پیش‌فرض نرمالیتی تک‌متغیره با استفاده از شاخص‌های کجی و کشیدگی پیرسون و پیش‌فرض نرمالیتی چندمتغیره نیز با استفاده از ضریب کشیدگی مردیا مورد بررسی قرار گرفت. شاخص‌های کجی و کشیدگی با قدرمطلق کوچکتر از 1 و ضریب کشیدگی مردیا با مقدار کوچکتر از  $1/96$  در مجموع نرمالیتی تک‌متغیره و چندمتغیره را مورد تأیید قرار داد.

جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پایه ششم دبستان‌های دخترانه و پسرانه شهر کرج به همراه مادرشان در سال تحصیلی 1392 بود که تعداد آنها 24195 نفر می‌باشد. از آن جایی که تعداد فراوان خرده مقیاس‌های متغیرهای پژوهش حاضر، باعث افزایش حجم نمونه مطابق با محاسبات می‌شود، بنابراین مطابق با نظر رایکوف و مارکونلیدز<sup>1</sup> (2006) که در کتاب مدل سازی معادلات ساختاری مدعی هستند، حداقل حجم نمونه برای مدل سازی معادلات ساختاری، چنانچه تعداد محاسبات برحسب خرده مقیاس‌ها از وضعیت سادگی خارج شود، بایستی حداقل 260 نفر باشد، حجم نمونه

<sup>1</sup> - Raykov & Marconlides



پژوهش، 260 نفر انتخاب شد. علاوه بر این طبق قاعده 10 برابر (هایر و همکاران<sup>1</sup>، 2008) حجم نمونه برای مدل‌های معادله ساختاری تقریباً برابر با 10 برابر تعداد متغیرهای مشاهده شده در مدل مفروض است. در مدل مفروض این پژوهش 23 متغیر مشاهده برای تعریف سازه‌ها وجود دارد. صفات پنج‌گانه شخصیتی به علت تعدد آیتم‌ها (60 آیتم) به عنوان متغیر مشاهده شده در مدل تعریف شدند و به این ترتیب خطای اندازه‌گیر آنها به حساب نیامده است. بنابراین در این تحقیق، حجم نمونه 260 نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری تصادفی مبتنی بر سهم از چهار منطقه آموزش و پرورش شهر کرج و با توجه به جنسیت دانش‌آموزان، مطابق با جدول شماره (1 و 2)، انتخاب گردید. به این صورت که از هر منطقه آموزش و پرورش کرج، به صورت تصادفی یک دبستان دخترانه و یک دبستان پسرانه انتخاب گردید و از منطقه (1)، 37 دانش‌آموز (19 دختر و 18 پسر)، از منطقه (2)، 63 دانش‌آموز (33 دختر و 30 پسر)، از منطقه (3)، 80 دانش‌آموز (40 دختر و 40 پسر) و از منطقه (4)، 80 دانش‌آموز (40 دختر و 40 پسر) انتخاب گردیدند و پرسشنامه‌های پژوهش را به همراه مادرشان تکمیل کردند. جهت تدوین مدل علی رابطه مؤثر همسران، ماتریس همبستگی کلیه متغیرهای مورد پژوهش تهیه و تنظیم گردید و برای برازش مدل از نرم‌افزار (Amos-18) استفاده شد.

جدول (1): جامعه آماری به تفکیک جنسیت و مناطق

منطقه	دختر	پسر	مجموع
1	1739	1733	3472
2	3105	2792	5897
3	3721	3692	7413
4	3721	3692	7413
مجموع	12286	11909	24195

<sup>1</sup> -Hair et al

جدول (2): توزیع گروه نمونه مورد پژوهش براساس جنسیت و مناطق

منطقه	دختر	پسر	مجموع
1	1739*37/3472=19	1733*37/3472=18	3472*260/24195=37
2	3105*63/5897=33	2792*63/5897=30	5897*260/24195=63
3	3721*80/7413=40	3692*80/7413=40	7413*260/24195=80
4	3721*80/7413=40	3692*80/7413=40	7413*260/24195=80
مجموع	132	128	260

داده های پژوهش به کمک ابزارهای زیر گرد آوری شد:

**پرسشنامه الگوی ارتباط همسران (CPQ):** به وسیله کریستنسن و سالوی (1991) تهیه شده است و سه الگوی ارتباط سازنده متقابل، الگوی اجتناب متقابل و الگوی توقع/کناره گیری را در رابطه همسران مطرح می کند. در ایران عبادت پور (1379)، به منظور برآورد روایی این پرسشنامه، همبستگی بین مقیاس های این پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ نشان داد که همه مقیاس های این پرسشنامه با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ همبستگی دارد. ضرایب همبستگی به دست آمده برای سه خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط توقع/کناره گیری به ترتیب عبارتند از 0/58 و 0/58- و 0/35- که همگی در سطح آلفای 0/01 معنادار بودند. عبادت پور (1379) پایایی خرده مقیاس های این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب در مقیاس های ارتباط سازنده متقابل (0/70)، اجتناب متقابل (0/71) و ارتباط توقع زن/کناره گیری مرد (0/51)، ارتباط توقع مرد/کناره گیری زن (0/52) برآورد نموده است. میزان ضریب قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ، در این تحقیق برای پرسشنامه ارتباط همسران 0/85 به دست آمد.

**پرسشنامه رضایت جنسی (ISS):** به وسیله لارسون و همکاران<sup>1</sup> (1998) تهیه شده است. در تحقیق لارسون (1998)، اعتبار علمی آن توسط هاریسون و هادسون و اعتماد علمی آن توسط آزمون مجدد، مورد تأیید واقع شد. میزان ضریب قابلیت اعتماد پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ، در این تحقیق 0/75 به دست آمد.

**پرسشنامه پنج عاملی شخصیت NEO-FFI:** به این مقیاس فرم کوتاهی از پرسشنامه تجدید نظر شده NEO-RI-R است که توسط مک کری و کاستا (1992)

<sup>1</sup> - larson

برای ارزیابی سریع پنج عامل اصلی شخصیت طراحی شده است. این پرسشنامه دارای 60 ماده است که پنج بعد شخصیت بهنجار را که عبارتند از روان رنجور خویی، برونگرایی، گشودگی به تجربه، توافق و وجدانی بودن را اندازه گیری می کند. پایایی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، بین 0/74 تا 0/89 با میانگین 0/81 متغیر به دست آمد (کاستا و مک کری، 1992) و روایی همزمان پرسشنامه با پرسشنامه های مایرز بریگز، گیلفورد و زاگرمین، پرسشنامه شخصیتی مینه سوتا و پرسشنامه تجدید نظر شده کالیفرنیا، بالا گزارش شده است. میزان ضریب قابلیت اعتماد پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ، در این تحقیق 0/82 به دست آمد.

**پرسشنامه سبک های دلبستگی بزرگسالان (ECR-R):** برای سنجش دلبستگی بزرگسالان از پرسشنامه تجارب شخصی در روابط صمیمانه تجدیدنظر شده آن استفاده شد که برنان، فرالی و والر<sup>1</sup> (2000) آن را تدوین کرده اند که با کمک 36 ماده در مقیاس 7 درجه ای لیکرت، سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی را می سنجد. پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ، توسط برنان، فرالی و والر (2000) به نقل از پیوسته گر، (1384) برای 183 نمونه دانشجوی، برای مقیاس دلبستگی ایمن 0/85، اجتنابی 0/82 و اضطرابی 0/89 گزارش شده است که میزان پایایی بالایی را نشان می دهد. پیوسته گر (1384) به منظور محاسبه روایی آزمون، از روش تحلیل عاملی استفاده کرد. نتایج نشان داد که پرسش های 1، 9، 14، 15، 17، 18، 20، 21، 23، 24، 25، 26، 32، 35 در عامل (دلبستگی ایمن) و پرسش های 3، 6، 7، 8، 10، 12، 13، 16، 27، 29، 30، 31، 36 در عامل (دلبستگی اضطرابی) و پرسش های 4، 5، 19، 22، 28، 33، 34 در عامل (دلبستگی اجتنابی) دارای بار عاملی بیشتری بودند. میزان ضریب اعتماد در این تحقیق 0/88 به دست آمد.

**پرسشنامه روابط والد فرزندی:** نسخه اصلی این پرسشنامه توسط فاین، مورلند و شوبل در سال 1983 تهیه شده است. این مقیاس دارای خرده مقیاس های عاطفه مثبت، همانندسازی و ارتباط یا گفت و شنود می باشد. پایایی آن با ضرایب آلفای 0/61 تا 0/94 برای عوامل و با آلفای کلی 0/96 از همسانی درونی خوبی برخوردار است (ثنایی، 1379) و روایی آزمون از روایی پیش بین بهره منداست و فرزندان طلاق و یکپارچه را از

<sup>1</sup> - Fraley & Waller, Brenna

هم متمایز می سازد (ثنایی، 1379). میزان ضریب قابلیت اعتماد پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ، در این تحقیق 0/80 به دست آمد.

**پرسشنامه مهارت های ارتباطی:** به وسیله عطارها و کرمی در سال 1389، بر اساس مدل ارتباط بین فردی هارجی و مارشال<sup>1</sup> (1986) و دیکسون و دیگران<sup>2</sup> (1993) تهیه شد. این آزمون سه عامل مدیریت هیجان، ادراک و ابراز وجود در مهارت ارتباطی را مشخص می کند. عطارها و کرمی هنجار یابی ایرانی آزمون را با مطالعه بر روی 510 دانش آموز دبیرستانی شهر یزد در سال تحصیلی 85-84 انجام دادند. پایایی آزمون - باز آزمون در خرده آزمون مدیریت هیجان 0/88، در خرده آزمون ادراک 0/79 و در ابراز وجود 0/70 و پایایی کلی آزمون - باز آزمون 0/90 گزارش شده است. همچنین ضریب آلفای آزمون 0/92 است که حاکی از پایایی مناسب این آزمون است. روایی ملاکی که شامل همبستگی بین نمره های ملاک و پیش بینی کننده پرسشنامه سازگاری دانش آموزان که دارای نرم و هنجار در ایران است، استفاده شد. ضریب همبستگی مشاهده شده بین ملاک و پیش بین 0/43 است که در سطح یک هزارم معنادار است. میزان ضریب قابلیت اعتماد پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ، در این تحقیق 0/75 به دست آمد.

### مدل های عاملی تأییدی

الف. مدل اندازه گیری مرتبه اول مهارت های ارتباطی (CS)

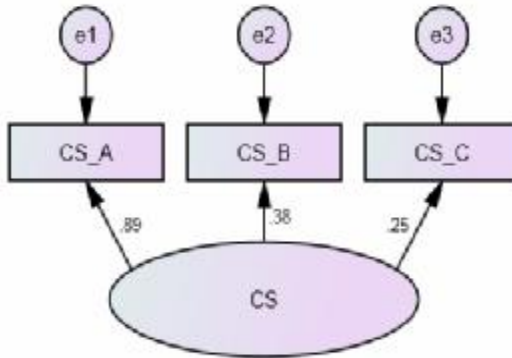
مدل اندازه گیری مهارت های ارتباطی (CS) مشتمل بر سه خرده مقیاس مدیریت هیجانان (CS\_A)، ادراک دیگران (CS\_B) و ابراز وجود (CS\_C) است. در هر یک از خرده مقیاس های سه گانه به ترتیب با استفاده 12، 12 و 10 آیتم برای آزمودنی ها طرح شده اند. بارهای عاملی محاسبه شده برای سه خرده مقیاس مذکور همگی دارای تفاوت معنادار با مقدار صفر هستند که حداقل توجیه آماری آنها برای ورود به مدل اندازه گیری است. بالاترین همبستگی مثبت بین بعد مدیریت هیجانان (CS\_A) با دو بعد دیگر مشاهده شده است و کمترین همبستگی مثبت بین بعد ابراز وجود (CS\_C) با دو بعد دیگر مشاهده می شود. یکی از بارهای عاملی مشاهده شده (مربوط به مدیریت هیجانان) در گروه مادر در دامنه ایده آل (0/89)، یکی از بارهای عاملی مشاهده شد (مربوط به

<sup>1</sup> - Hargye&Marshall

<sup>2</sup> - Dixon et al

ادراک دیگران) در دامنه قابل قبول (0/38) و در نهایت بار عاملی برای بعد سوم (ابراز وجود) نزدیک به دامنه قابل قبول - مقدار 0/30 - مقدار 0/25) قرار دارد که در مجموع حاکی از قابل قبول بودن مدل‌های اندازه‌گیری مهارت‌های ارتباطی بر گروه مادر است.

مدل اندازه‌گیری مهارت‌های ارتباطی (مادر)



مدل اندازه‌گیری مهارت‌های ارتباطی و بارهای عاملی استاندارد

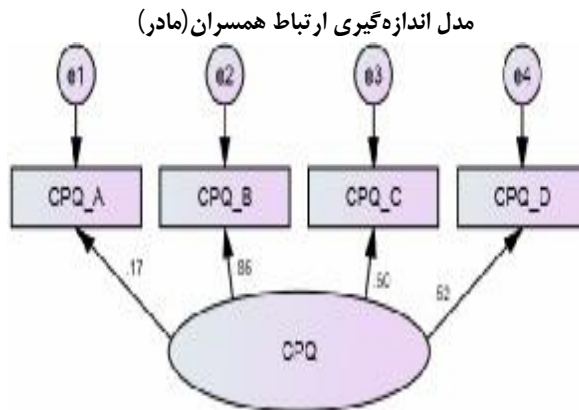
جدول (3): برآورد استاندارد و غیراستاندارد پارامترهای اصلی در مدل اندازه‌گیری مهارت‌های ارتباطی مادران

متغیر و کد تعریف شده	مسیر Path	متغیر و کد تعریف شده	برآوردهای استاندارد Standardized Estimates	آماره T و سطح معناداری Sig
CS مهارت‌های ارتباطی	!	CS_A مدیریت هیجان	0/889	3/01 0/001
CS مهارت‌های ارتباطی	!	CS_B ادراک دیگران	0/378	2/56 0/004
CS مهارت‌های ارتباطی	!	CS_C ابراز وجود	0/249	2/12 0/011

ب. مدل اندازه‌گیری مرتبه اول ارتباط همسران (CPQ)

مدل اندازه‌گیری ارتباط همسران (CPQ) مشتمل بر چهار خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل یا مؤثر (CPQ\_A)، ارتباط اجتناب متقابل (CPQ\_B)، ارتباط کناره‌گیری مرد/توقع زن (CPQ\_C) و ارتباط کناره‌گیری زن/توقع مرد (CPQ\_D) است. در هر

یک از خرده‌مقیاس‌های چهارگانه به ترتیب با استفاده 5، 3، 3 و 3 آیت‌م برای آزمودنی‌ها طرح شده‌اند. بارهای عاملی محاسبه شده برای سه خرده‌مقیاس مذکور همگی دارای تفاوت معنادار با مقدار صفر هستند که حداقل توجیه آماری آنها برای ورود به مدل اندازه‌گیری است. کلیه بارهای عاملی محاسبه شده برای گروه مادر در دامنه قابل قبول - 0/30 تا 0/70 - و یا در دامنه ایده‌آل - بالاتر از 0/70 - قرار دارد. در گروه مادر بالاترین همبستگی بین ارتباط متقابل مؤثر با سایر ابعاد مشاهده می‌شود. با این حال در مجموع همبستگی بالایی بین چهار بعد وجود دارد که به بارهای عاملی مشاهده شده انجامیده است.



مدل اندازه‌گیری ارتباط همسران و بارهای عاملی استاندارد

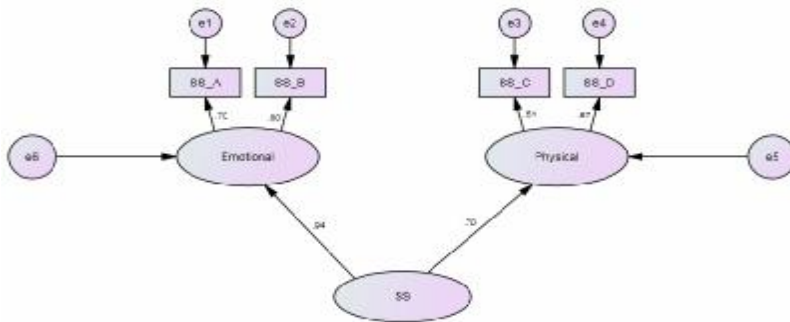
جدول (4): برآورد استاندارد و غیراستاندارد پارامترهای اصلی در مدل اندازه‌گیری ارتباط

#### همسران مادران

متغیر و کد تعریف شده	مسیر Path	متغیر و کد تعریف شده	برآوردهای استاندارد Standardized Estimates	آماره T و سطح معناداری Sig
CPQ ارتباط همسران	!	CPQ_A ارتباط مؤثر	0/171	47/2 0/015
CPQ ارتباط همسران	!	CPQ_B اجتناب متقابل	0/856	3/86 0/000
CPQ ارتباط همسران	!	CPQ_C کناره‌گیری مرد	0/603	3/49 0/000
CPQ ارتباط همسران	!	CPQ_D کناره‌گیری زن	0/522	3/44 0/000

## ج. مدل اندازه‌گیری مرتبه دوم رضایت جنسی (SS)

مدل اندازه‌گیری رضایت جنسی یک مدل عاملی مرتبه دوم است. این مدل (SS) مشتمل بر چهار خرده مقیاس صمیمیت (SS\_A)، کیفیت روابط جنسی (SS\_B)، تمایلات جنسی (SS\_C) و رفتار جنسی (SS\_D) می‌شود. هر دو خرده‌مقیاس تعریف کننده یک بعد هستند به نحوی که صمیمیت و کیفیت روابط جنسی تعریف کننده بعد هیجانی (Emotional) و تمایلات جنسی و رفتار جنسی تعریف کننده بعد فیزیکی (Physical) هستند.



مدل اندازه‌گیری مرتبه دوم برای اندازه‌گیری رضایت جنسی و بارهای عاملی استاندارد (مادر)

کلیه بارهای عاملی به دست آمده برای مرتبه اول و مرتبه دوم در دامنه قابل قبول و یا ایده‌آل قرار دارند. همچنین کلیه بارهای عاملی دارای تفاوت معنادار با مقدار صفر هستند. در هر حال نتایج نشان می‌دهد که مدل اندازه‌گیری رضایت جنسی به حالت مرتبه دوم قابل قبول است. برای گروه مادر، بارهای عاملی به دست آمده برای بعد هیجانی در مقایسه با بعد فیزیکی بیشتر است.

جدول (5): برآورد استاندارد و غیراستاندارد پارامترهای اصلی در مدل اندازه گیری مرتبه دوم رضایت جنسی مادران

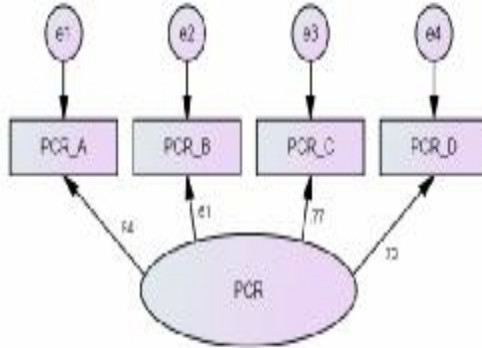
مرتبه	متغیر و کد تعریف شده	مسیر Path	متغیر و کد تعریف شده	برآوردهای استاندارد Standardized Estimates	آماره T و سطح معناداری Sig
اول	Emotional هیجانی	!	SS_A صمیمیت	0/70	3/45 0/000
	Emotional هیجانی	!	SS_B کیفیت	0/80	3/69 0/000
	Physical فیزیکی	!	SS_C تمایلات	0/51	3/21 0/000
	Physical فیزیکی	!	SS_D رفتار	0/57	3/39 0/000
دوم	SS رضایت جنسی	!	Emotional هیجانی	0/94	4/32 0/000
	SS رضایت جنسی	!	Physical فیزیکی	0/70	3/42 0/000

#### د. مدل اندازه‌گیری مرتبه اول رابطه ولی - فرزندی (PCR)

مدل اندازه‌گیری ارتباط همسران (PCR) مشتمل بر چهار خرده مقیاس عاطفه مثبت (PCR\_A)، آزرده‌گی/سردرگمی نقش - باکدگذاری معکوس - (PCR\_B)، ارتباط یا گفت و شنود (PCR\_C) و همانندسازی (PCR\_D) است. در هر یک از خرده-مقیاس‌های چهارگانه به ترتیب با استفاده 2، 6 و 3 آیم برای آزمودنی‌ها طرح شده‌اند. بارهای عاملی محاسبه شده برای چهار خرده‌مقیاس مذکور همگی دارای تفاوت معنادار با مقدار صفر هستند که حداقل توجیه آماری آنها برای ورود به مدل اندازه‌گیری است. کلیه بارهای عاملی محاسبه شده برای هر گروه مادر در دامنه قابل قبول - 0/30 تا 0/70 - و یا در دامنه ایده‌آل - بالاتر از 0/70 - قرار دارد. در گروه مادر بالاترین همبستگی بین عاطفه مثبت با سایر ابعاد مشاهده می‌شود. با این حال در مجموع همبستگی بالایی بین چهار بعد وجود دارد که به بارهای عاملی مشاهده شده انجامیده است.



مدل اندازه‌گیری رابطه ولی - فرزندی (مادر)



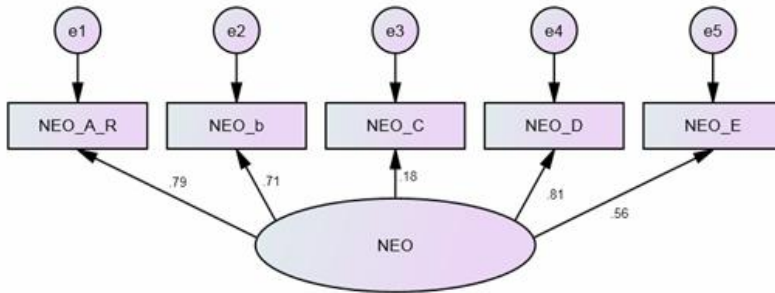
مدل اندازه‌گیری رابطه ولی - فرزندی و بارهای عاملی استاندارد

جدول (6): برآورد استاندارد و غیراستاندارد پارامترهای اصلی در مدل اندازه‌گیری رابطه ولی -

فرزندی مادران

آماره T و سطح معناداری Sig	برآوردهای استاندارد Standardized Estimates	متغیر و کد تعریف شده	مسیر Path	متغیر و کد تعریف شده
3/65 0/000	0/841	PCR_A عاطفه مثبت	!	PCR رابطه ولی - فرزندی
3/25 0/000	0/611	PCR_B سردرگمی نقش	!	PCR رابطه ولی - فرزندی
3/39 0/000	0/767	PCR_C گفت و شنود	!	PCR رابطه ولی - فرزندی
3/34 0/000	0/729	PCR_D هماندسازی	!	PCR رابطه ولی - فرزندی

### هـ. اندازه‌گیری صفات شخصیتی نئو (NEO)



شکل 4-6- مدل اندازه‌گیری برای اندازه‌گیری صفات شخصیتی نئو و بارهای عاملی استاندارد (مادر)

صفات شخصیتی نئو، به لحاظ نظری لزوماً با یکدیگر جمع‌پذیر نیستند و لذا نمی‌توان در یک مدل عاملی مرتبه اول از نوع انعکاسی (Reflective) پنج بعد را در یک عامل جمع کرد. با این حال چنانچه در داده‌های یک تحقیق خاص همبستگی زیاد و معناداری (مثبت یا منفی) پنج صفت شخصیتی وجود داشته باشد، این امکان وجود دارد که آنها را در یک عامل به لحاظ آماری جمع نمود و نتایج را تفسیر کرد. اگر نتوان این پنج صفت را در یک عامل جمع کرد، لازم است تا هر پنج صفت به عنوان پنج متغیر مشاهده شده یا آشکار وارد مدل شوند که باعث پیچیدگی بیش از اندازه مدل خواهد شد. لذا در ابتدا مدل عاملی انعکاسی برای پنج صفت شخصیتی مورد بررسی قرار گرفت. بارهای عاملی به دست آمده نشان می‌دهد که همبستگی بین پنج صفت در مجموع به اندازه کافی بزرگ است، چرا که بارهای عاملی همگی در دامنه قابل قبول تا ایده‌آل قرار دارند. نمرات مربوط به صفت روان‌رنجورخویی با ضرب کردن نمرات در ضریب 1- عکس شده است، چرا که نمرات این صفت دارای همبستگی منفی با سایر صفات بوده است.

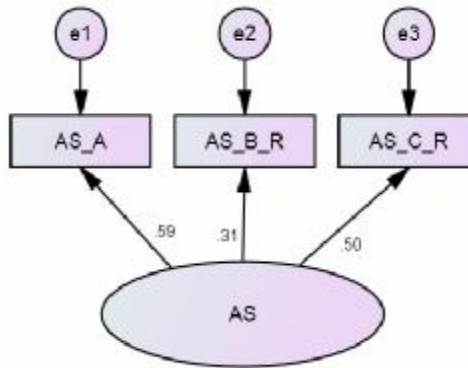
کدگذاری صفات پنج‌گانه شخصیتی، به ترتیب شامل روان‌رنجورخویی (NEO\_A\_R)، برون‌گرایی/ادرون‌گرایی (NEO\_B)، پذیرای تجربه بودن (NEO\_C)، مسؤولیت‌پذیری (NEO\_D) و سازگاری (NEO\_E) بوده است. در مدل، پذیرای تجربه بودن در مجموع همبستگی کمتری با سایر صفات داشته است، با این حال بار

عاملی این بعد نیز دارای تفاوت معنادار با صفر است. توجه استفاده از این مدل صرفاً سادگی بیشتر و تفسیرپذیری بیشتر نتایج است.

#### و. اندازه‌گیری سبک‌های دل‌بستگی (AS)

سبک‌های دل‌بستگی شامل ایمن، اضطرابی و اجتنابی نیز همانند صفات شخصیتی نئو به لحاظ نظری لزوماً با یکدیگر جمع‌پذیر نیستند و لذا نمی‌توان در یک مدل عاملی مرتبه اول از نوع انعکاسی (Reflective) در یک عامل جمع کرد. در این رابطه نیز، چنانچه در داده‌های یک تحقیق خاص همبستگی زیاد و معناداری (مثبت یا منفی) بین سه سبک دل‌بستگی وجود داشته باشد این امکان وجود دارد که آنها را در یک عامل به لحاظ آماری جمع نمود و نتایج را تفسیر کرد. چنانچه نتوان این سه سبک را در یک عامل جمع کرد، لازم است تا هر سه سبک به عنوان سه متغیر مشاهده شده یا آشکار وارد مدل شوند که باعث پیچیدگی نسبی مدل خواهد شد. لذا در ابتدا مدل عاملی انعکاسی برای سه سبک دل‌بستگی مورد بررسی قرار گرفت.

مدل اندازه‌گیری سبک‌های دل‌بستگی (مادر)



مدل اندازه‌گیری سبک‌های دل‌بستگی و بارهای عاملی استاندارد

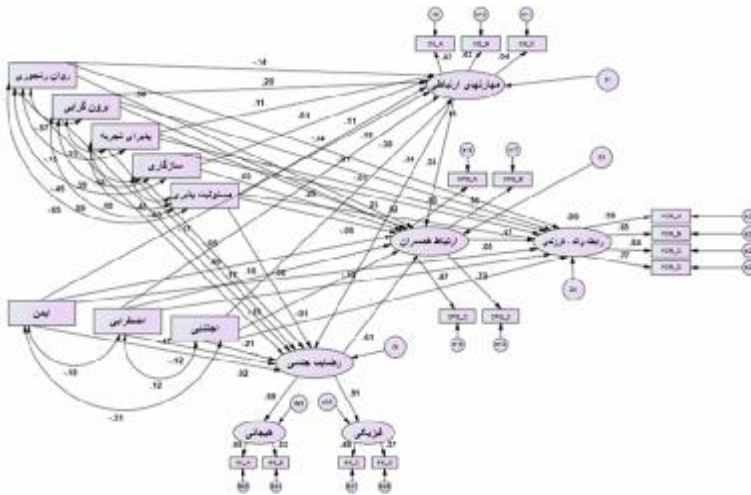
به دلیل وجود همبستگی منفی بین نمرات سبک‌های اضطرابی و اجتنابی نمرات این دو سبک در ضریب 1- ضرب شده است تا ضرایب همبستگی به ضرایب مثبت تغییر پیدا کنند. در مجموع چنین موضوعی به معنای آن است که هر چه نمره فرد در سبک ایمن بالاتر بوده است نمرات سبک‌های اجتنابی و اضطرابی کمتر بوده است.

کدگذاری سبک‌های سه گانه دل‌بستی به ترتیب شامل سبک دل‌بستگی ایمن (AS\_A)، سبک دل‌بستگی اضطرابی (AS\_B\_R) و سبک دل‌بستگی اجتنابی (AS\_C\_R) بوده است. بارهای عاملی به دست آمده نشان می‌دهد که همبستگی بین سه سبک دل‌بستگی در مدل اندازه‌گیری مربوط به مادران در مجموع به اندازه کافی بزرگ است. لذا در نهایت تصمیم گرفته شده تا سبک‌های دل‌بستگی به عنوان سه متغیر مجزا در مدل ساختاری وارد شوند.

### یافته‌ها

در زیرخروجی مدل اصلی نرم افزار آموس (Amos) برای فرضیات تحقیق ارائه می‌گردد.

مدل معادله ساختاری برای بررسی روابط سازه‌های پژوهش و مدل تدوین شده (مادرها)



جدول (7): شاخص های برازش مدل

شاخص های ارزیابی کلیت مدل						
شاخص	کای اسکور نسبی CMIN/DF	درجه آزادی	شاخص برازش تطبیقی CFI	شاخص برازش تطبیقی مقتصد PCFI	ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA	هلبز Hoelter 0/05
مقدار	3/159	188	0/892	0/514	0/087	123

همان طور که داده های جدول (7) نشان می دهد، مدل از برازش تقریباً مناسبی برخوردار است. هر چند که نمی توان مدل را یک مدل ایده آل دانست. پایین بودن حجم اثر در برخی از روابط معنادار عامل اصلی در بالاتر رفتن ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد از مقدار 0/08 است. در یک مدل ایده آل انتظار می رود که مقدار این شاخص از 0/05 نیز کوچکتر شود هر چند مقادیر کوچکتر از 0/08 نیز قابل قبول است. جزییات مربوط به پارامترهای آزاد در مدل مفروض در جدولی که به دنبال آمده است گزارش شده اند. این مقادیر برای گروه مادران گزارش شده اند. ضریب تعیین به دست آمده برای گروه مادران برابر با 0/16 به دست آمده که به لحاظ آماری معنادار هستند<sup>1</sup>.

جدول (8): برآورد استاندارد و غیراستاندارد اثرات مستقیم در مدل معادله ساختاری (مادران)

سطح معناداری Sig	نسبت بحرانی C.R. (آماره T)	برآورد Estimation		متغیر و کد تعریف شده	مسیر Path	متغیر و کد تعریف شده
		استاندارد Standardized	غیراستاندارد Unstandardized			
0/041	-2/018	-0/143	-0/071	مهارت های ارتباطی	!	روان رنجور خوبی
0/038	2/076	0/201	0/092	مهارت های ارتباطی	!	برون گرایی
0/108	1/605	0/105	0/072	مهارت های ارتباطی	!	پذیرای تجربه
0/000	7/139	0/606	0/0394	مهارت های ارتباطی	!	مسئولیت پذیری
0/211	1/252	0/109	0/056	مهارت های ارتباطی	!	سازگاری
0/003	-2/939	-/525	-/441	رضایت جنسی	!	روان رنجور خوبی
0/038	2/078	0/159	0/170	رضایت جنسی	!	برون گرایی
0/480	-/707	-/117	-/165	رضایت جنسی	!	پذیرای تجربه

<sup>1</sup> - باید توجه داشت که مبنای انجام محاسبات در مدل سازی معادله ساختاری کوواریانس محور به حداقل رسیدن ماتریس کوواریانس مشاهده شده و ماتریس کوواریانس بازتولید شده به وسیله مدل نظری است و به حداکثر رسیدن واریانس تبیین شده متغیرهای وابسته مبنای آن نیست.

0/006	2/571	0/153	0/112	رضایت جنسی	!	مسئولیت پذیری
0/417	0/812	-/175	-/189	رضایت جنسی	!	سازگاری
0/000	-4/971	-/532	-/272	ارتباط همسران	!	روان رنجور خویی
0/307	-1/021	-/141	-/101	ارتباط همسران	!	بیرون گرایی
0/777	0/283	0/018	0/017	ارتباط همسران	!	پذیرای تجربه
0/003	3/019	0/246	0/221	ارتباط همسران	!	مسئولیت پذیری
0/338	-0/959	-0/082	-0/058	ارتباط همسران	!	سازگاری
0/000	-3/620	-0/331	-0/459	ارتباط والد-فرزندی	!	روان رنجور خویی
0/849	-0/190	-0/015	-0/029	ارتباط والد-فرزندی	!	بیرون گرایی
0/859	-0/178	-0/011	-0/029	ارتباط والد-فرزندی	!	پذیرای تجربه
0/001	3/271	0/230	0/562	ارتباط والد-فرزندی	!	مسئولیت پذیری
0/795	0/260	0/022	0/043	ارتباط والد-فرزندی	!	سازگاری
0/010	2/585	0/179	0/071	مهارت های ارتباطی	!	دلبستگی ایمن
0/037	2/084	-0/381	-0/147	مهارت های ارتباطی	!	دلبستگی اضطرابی
0/000	-5/503	-0/142	-0/072	مهارت های ارتباطی	!	دلبستگی اجتنابی
0/003	2/773	0/471	0/430	رضایت جنسی	!	دلبستگی ایمن
0/565	0/251	0/015	0/009	رضایت جنسی	!	دلبستگی اضطرابی
0/224	-1/217	-0/215	-0/229	رضایت جنسی	!	دلبستگی اجتنابی
0/226	1/112	0/094	0/064	ارتباط همسران	!	دلبستگی ایمن
0/009	-2/602	-0/174	-0/091	ارتباط همسران	!	دلبستگی اضطرابی
0/007	-2/696	-0/190	-0/133	ارتباط همسران	!	دلبستگی اجتنابی
0/490	0/691	0/045	0/066	ارتباط والد-فرزندی	!	دلبستگی ایمن
0/054	-1/923	-0/120	-0/170	ارتباط والد-فرزندی	!	دلبستگی اضطرابی
0/993	-0/085	-0/005	-0/010	ارتباط والد-فرزندی	!	دلبستگی اجتنابی
0/019	2/198	0/343	0/278	رضایت جنسی	!	مهارت ارتباطی
0/000	4/215	0/612	0/315	ارتباط همسران	!	رضایت جنسی
0/018	2/214	0/351	0/487	ارتباط همسران	!	مهارت های ارتباطی
0/058	1/924	0/167	0/444	ارتباط والد-فرزندی	!	ارتباط همسران

جدول (9): برآورد استاندارد اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل بر ارتباط همسران و رابطه والد-فرزندی در مدل معادله ساختاری (مادران)

نوع تأثیر			متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
کل	غیرمستقیم	مستقیم		
-0/933	-0/401	-0/532	ارتباط همسران	روان رنجورخوبی
0/351	0/210	0/141	ارتباط همسران	برون‌گرایی
0/005	-0/13	0/018	ارتباط همسران	پذیرای تجربه
0/679	0/433	0/246	ارتباط همسران	سازگاری
0/009	0/091	-0/082	ارتباط همسران	مسئولیت‌پذیری
0/445	0/351	0/094	ارتباط همسران	دلبستگی ایمن
-0/301	-0/127	-0/174	ارتباط همسران	دلبستگی اضطرابی
-0/372	-0/182	-0/190	ارتباط همسران	دلبستگی اجتنابی
0/612	-	0/612	ارتباط همسران	رضایت جنسی
0/559	0/208	0/351	ارتباط همسران	مهارت‌های ارتباطی
-0/398	-0/067	-0/331	رابطه والد - فرزندی	روان رنجورخوبی
0/020	0/035	-0/015	رابطه والد - فرزندی	برون‌گرایی
-0/013	-0/002	-0/011	رابطه والد - فرزندی	پذیرای تجربه
0/408	0/178	0/230	رابطه والد - فرزندی	سازگاری
0/014	-0/008	0/022	رابطه والد - فرزندی	مسئولیت‌پذیری
0/095	0/058	0/045	رابطه والد - فرزندی	دلبستگی ایمن
-0/141	-0/021	-0/120	رابطه والد - فرزندی	دلبستگی اضطرابی
-0/035	-0/030	-0/005	رابطه والد - فرزندی	دلبستگی اجتنابی
0/102	0/102	-	رابطه والد - فرزندی	رضایت جنسی
0/059	0/059	-	رابطه والد - فرزندی	مهارت‌های ارتباطی

همان‌طور که داده‌های جدول (9) نشان می‌دهد، اثرات کل به ترتیب مربوط به سازگاری (+0/408)، روان رنجورخوبی (-0/398)، دلبستگی اضطرابی (-0/141) و رضایت جنسی (+0/102) است. در حالی که برون‌گرایی، پذیرای تجربه بودن، مسئولیت‌پذیری و دلبستگی ایمن در مجموع اثرات ضعیف‌تری را نشان می‌دهند.

## بحث

در پژوهش حاضر، شاخص‌های نیکویی برآزش کلی مدل نشان داد که به‌طور کلی، مدل با داده‌ها برآزش دارد و مدل نظری با داده‌های واقعی تطبیق می‌کند. نتایج بررسی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل در مدل ساختاری مربوط به گروه مادران نشان

می‌دهد که بیشترین آثار کل بر سازه ارتباط همسران به ترتیب مربوط به روان رنجور خویی (0/933-)، سازگاری (0/679+)، رضایت جنسی (0/612+)، مهارت‌های ارتباطی (0/559+) و دلبستگی ایمن (0/445+) است. در تبیین این نتایج می‌توان بیان داشت که در بررسی صفت روان‌رنجورخویی، کاگلین و هوستون و هاوتس (2000) در مطالعه‌ی سیزده ساله، به این نتیجه رسیدند که این افراد، عواطف منفی بیشتری را به همسران ابراز می‌کنند و از این طریق به شکل‌گیری الگوهای تعاملی منفی در روابط زناشویی کمک می‌کنند. پژوهش‌ها ارتباط الگوی سازندهٔ متقابل با سازگاری (گرازینو و همکاران، 1996؛ دونالدن، کانگر و برنت، 2004) را نشان داده‌اند. همچنین اگر رابطهٔ بین همسران مؤثر نباشد (به طور مثال رابطهٔ همراه با خشم و عصبانیت)، فرصت‌های رومانتیک و در پی آن رابطهٔ جنسی و رضایت حاصل از آن به دست نمی‌آید (کریستفر و اسپرچر، 2000). نتیجه بسیاری از شواهد تجربی نشان می‌دهد که زوج‌های مشکل‌دار، در بیان افکار و احساسات، مهارت‌های گوش‌فرادادن و حل مشکل از انواع الگوهای منفی و غیرمؤثر برقراری ارتباط استفاده می‌کنند و بیشتر تمایل دارند از یکدیگر اجتناب کنند تا اینکه از راه مذاکره آن را حل کنند (کار، 2001؛ اپشتاین و باکوم، 2002 و والش، 1998). همچنین مهارت‌های ارتباطی، می‌تواند به زوجین، در برقراری یک رابطهٔ مؤثر، دو سویه و کارآمد که در جهت رشد و شکوفایی آنان باشد، کمک کند و از ایجاد یا تداوم احساسات مخرب و منفی در طول جریان رابطه بکاهد. همچنین افراد دارای الگوی عملی درونی ایمن، اجتناب پایین در روابط و درگیری بیشتر در ارتباط زوجی دارند (هولیس و میلر، 2005). به طور کلی تعارض کمتر، رضایت و ثبات بیشتر و دورهٔ طولانی‌تر در روابط رومانتیک را افراد دلبستهٔ ایمن، بیشتر از افراد نالیمن تجربه می‌کنند (اشمیت<sup>1</sup>، 2003). در رابطه با سازه رابطه والد-فرزند، بیشترین تأثیرات کل به ترتیب مربوط به سازگاری (0/408+)، روان‌رنجورخویی (0/398-)، دلبستگی اضطرابی (0/141-) و رضایت جنسی (0/102+) مادران است. در تبیین این نتایج می‌توان بیان داشت که شخصیت در تعامل با استرس‌ها و منابع حمایتی محیط، ظرفیت والدین را برای مراقبت و بهبود رشد کودکان تعیین می‌کند (بلسکی، 1984) و در این میان والدینی که روان‌رنجوری بیشتری و سازگاری کمتری دارند، پریشانی، بی‌قراری و عصبانیت بیشتری نشان می‌دهند و ارتباط صمیمانه کمتری با کودکان خود

---

<sup>1</sup>- Schmitt



دارند (گیرت و همکاران، 2009). تحقیقات نشان می دهد، سبک دلبستگی والد با کیفیت مراقبت از کودک رابطه دارد (کرول و فلدمن<sup>1</sup>، 1989). والدینی با سبک دلبستگی اضطرابی، پاسخ‌های متناقض و غیر قابل اطمینان و نامعتبری به استرس‌های کودک خود می‌دهند (میکولینسر و شیور، 2003). همچنین در شرایطی که والدین از رابطه جنسی خود رضایت داشته باشند، شرایط مناسبتری برای رابطه با فرزندشان دارند.

### نتیجه گیری

نتایج یافته های تحقیق نشان داد، بیشترین اثر مثبت معنی دار بر سازه ارتباط همسران به ترتیب مربوط به سازگاری، رضایت جنسی، مهارت‌های ارتباطی و دلبستگی ایمن و بیشترین اثر منفی مربوط به روان رنجورخویی در همسران است و همچنین در رابطه با سازه رابطه والد- فرزند بیشترین اثر مثبت معنادار به ترتیب مربوط به سازگاری و رضایت جنسی و بیشترین اثر منفی معنا دار به ترتیب مربوط به روان رنجورخویی و دلبستگی اضطرابی در مادر است، پس روان رنجوری منجر به کاهش رابطه مؤثر همسران و سازگاری، رضایت جنسی، مهارت‌های ارتباطی و دلبستگی ایمن همسران، این رابطه را افزایش می دهد. همچنین در رابطه مادر با کودک، سازگاری و رضایت جنسی مادر، منجر به افزایش و روان رنجوری و دلبستگی اضطرابی مادر، منجر به کاهش رابطه مادر با کودک می شود.

### محدودیت ها

از آن جایی که رابطه مؤثر همسران، یک پدیده بسیار گسترده و کلی است و عوامل متعددی بر آن تاثیر می گذارد و مطالعه همه عوامل برای محقق امکان پذیر نبوده است. همچنین با توجه به این که تحقیق پرسشنامه ای است، می توان به محدودیت هایی از جمله، احتمال عدم فهم و برداشت یکسان آزمودنی ها از سوالات پرسشنامه و همچنین عدم آزادی عمل و اختیار پاسخگو و بالا بودن هزینه این روش، اشاره نمود.

### پیشنهادها

- بر اساس نتایج جدول (9)، پیشنهادهایی ارائه می گردد:

<sup>1</sup> - Crowell & Feldman

- رابطه معنادار سبک های دلبستگی با ارتباط مؤثر همسران، نشان از توانمندی افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، در برقراری روابط بین شخصی سالم تر، در مقایسه با افراد دارای سبک دلبستگی نا ایمن دارد که این نتیجه، اهمیت و نقش سبک های دلبستگی را در حیطه ی روابط بین شخصی برجسته می سازد. از این رو فراهم کننده زمینه های لازم برای شکل گیری دلبستگی ایمن در چارچوب روابط والد- کودک نیز می باشد. همچنین با توجه به این که در ایران، به نقش سبک دلبستگی در همسر گزینی برای روابط پیش از ازدواج کمتر توجه شده است، می توان گفت که نتایج این پژوهش با برجسته کردن نقش دلبستگی در ازدواج، می تواند به روان شناسان و مشاوران خانواده، در تبیین فرایند همسرگزینی و دریافت علل جدایی یا صمیمیت میان همسران یاری رساند.
- همچنین بر اساس این نتیجه که بین رضایت جنسی همسران و رابطه مؤثر همسران رابطه معنادار وجود دارد، پیشنهاد می شود، از طریق افزایش مهارت همسران در ابعاد مسائل جنسی، میزان سازگاری زناشویی آنها را افزایش داد و توجه به برنامه های آموزشی و مشاوره خانواده، به خصوص در زمینه آموزش مسائل جنسی به زوجین، برای افزایش رضایت زناشویی آنها و در نتیجه قوام و دوام خانواده ها کمک کرد. همچنین بهتر است، جلسات آموزش روابط جنسی، قبل از ازدواج همزمان با آزمایش های اولیه در ازدواج در نظر گرفته شود.
- نتیجه دیگر نشان داد، بین مهارت های ارتباطی همسران و رابطه مؤثر همسران، رابطه معنادار وجود دارد. پیشنهاد می شود آموزش مهارت های ارتباطی به زوجین، در حل تعارض و رفع مشکلات زناشویی و افزایش رابطه مؤثر همسران در برنامه های آموزش خانواده و کلینیک های مشاوره گنجانده شود.
- نتیجه دیگر نشان داد، بین ویژگی های شخصیتی همسران و رابطه مؤثر همسران رابطه معنادار وجود دارد، پیشنهاد می شود روان شناسان و مشاوران ازدواج، در مشاوره قبل از ازدواج اهمیت بیشتری به آن بدهند.
- لازم است برای این که مدل ارائه شده در این پژوهش، بیشتر تأیید گردد، پژوهشگران آتی، با استفاده از پژوهش های کیفی، این ارتباطات را بررسی نمایند.

- 
- 
- جامعه آماری پژوهش حاضر را، تنها همسرانی تشکیل می دهند که فرزندانشان که در مرحله آخر کودکی بودند. بنابراین توصیه می گردد، در پژوهشی مشابه، مدل ارتباط زناشویی برای سایر جوامع مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد.
  - پیشنهاد می شود که محققان، عوامل دیگری را به عنوان متغیر پیش بین در رابطه همسران و رابطه مادر-فرزندی مورد بررسی قرار دهند.

**منابع:**

- پیوسته گر، مهرانگیز (1384)، پیش بینی اختلالات دلبستگی کودکان با سبک دلبستگی والدین. رساله ی دکتری، دانشگاه الزهرا.
- پروین، لارنس و جان الیور، پی (1381)، شخصیت: نظریه و پژوهش. ترجمه: جوادی محمدجعفر، کدیور پروین. تهران: آبیژ.
- ثنایی ذاکر، باقر (1387)، مقیاس سنجش خانواده. تهران: انتشارات بعثت.
- عبادت پور، بهناز (1379)، هنجاریابی پرسشنامه ی الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال 1378-1379. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه تربیت معلم تهران.

- Attarha, N., & Karami, A. (2010), communication skills. Tehran : psychometrics publication.
- Barelds, D. P. H. (2005), Self and partner personality in intimate relationships. *European Journal of Personality*, 19, 501– 518.
- Belsky, J. (1984), The determinants of parenting: A process model . *Journal of child Development*, 55, 83-96.
- Belsky, J. (1990), Parental and non-parental child care and childrens' socio emotional development: A decade in review. *Journal of Marriage and the family*, 52, 885-903.
- Bowlby, j. (1969, 1982), Attachment and loss, (vol1), Attachment. London: The Hogarth press.
- Bowlby, J. (1982), Attachment and loss. 2nded. New York: Basic Books, 54-55.
- Buss, D.M. (1991), Conflict in married couples : personality predictors of Anger and upset . *Journal of Personality*, 59, 663-688.
- Carnes- Holt k. (2012), child-parent relationship therapy for adoptive families. *Famj*:20 (4): 419- 426.
- Carr, A. (2000), Family therapy. Concepts process and practice. New York: wiley.
- Caughlin, J.P., Huston, T.L., & Houts, R.N. (2000), How does personality matter in marriage? An examination of trait anxiety

- inter personal negativity, and marital satisfaction. *Journal of personality and social psychology*, 78, 326-336
- Christensen., A. & sullaway, M. (1984), Communication patterns Questionnaire. Unpublished manuscript, university of California, los angles.
  - Christopher, F.S., & Sprecher, s. (2000), Sexuality in marriage , dating , and other relationships . *Journal of Marriage and family*, 62,999-1017.
  - Crowell, J. A., & Feldman, S. (1989), Assessment of mothers' working models of relationships: Some clinical implications. *Infant Mental Health Journal*, 10, 173–184.
  - Costa, P.T., & McCrae, R. R. (1992), Revised NEO personality inventory And NEO five factor inventory. Lutz, Florida: Psychological Assesment Resource, Inc.
  - Decuyper, M., De Bolle, M., & De Fruyt, F. (2012), Personality similarity, perceptual accuracy, and relationship satisfaction in dating and married couples. *Personal Relationships*, 19, 128–145.
  - Donnellane, M.B., Conger, R. D., & Bryant, C.m. (2004), The big five and Enduring marriage. *Journal of Research in Personality*, 38,481-504.
  - Dyrenforth, P. S., Kashy, D. A., Donnellan, M. B., & Lucas. (2010), Predicting relationship and life satisfaction from personality in nationally representative samples from three countries: The relative importance of actor, partner, and similarity effects. *Journal of Personality and Social Psychology*, 99, 690–702.
  - Egeci, I.S., Genco,T. (2011), The Effects of Attachment Styles, Problem-Solving Skills, and Communication Skills on Relationship Satisfaction. *Procida .Socia and Behavioral. Sciences*: 30.2324- 2329.
  - Elliott, S., & Umberson, D. (2008), The performance of desire: Gender and sexual negotiation in long-term marriage. *Journal of Marriage andFamily*, 70, 391-406.

- 
- 
- Epstein, N., & Baucom, D.H. (2002), Enhanced Cognitive behavioral therapy for couples: A contextual approach. Washington. DC: American psychological Association.
  - Engel, G., Olson, K. R., & Patrick, C. (2002), The personality of love: Fundamental motives and traits related to components of love. *Personality & Individual Differences*, 32, 839-853.
  - Erel, O, &Burman, B.(1995),Interrelatedness of marital relations and Parent-child relations: A meta-Analytic review . *Psychological Bulletin*,118,1,108-132.
  - Feeney, J.A. (2002), Attachment, marital interaction and relationship satisfaction. *Personal Relationship*, 13, 19-36.
  - Feeney, J. A., Noller, P. &Callan, V. J. (1994), Attachment Style, Communication, and satisfaction in the Early Years of Marriage. *Advanced in Personal Relationship*, 5, 269- 308.
  - Fine, M.A., Moreland, J.R., &Schwebel, A. (1983), Long-term effects of divorce on parent- child relationship. *Developmental psychology*,19(5),703-713.
  - Fraley, R. C., Waller, N. G., & Brennan, K. A. (2000), An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(2), 350-365.
  - Fuler,K.,Gomez,V.,&Grob.A. (2014), Personality perceptions and relationship satisfaction in couples. *Journal of Research in Personality*. 50(2014).33-41.
  - Graziano, W. G., Jensen-Campbell, L. A., & Hair, E. C. (1996), Perceiving interpersonal conflict and reacting to it: the case for agreeableness. *Journal of Personality & Social Psychology*, 70, 820-835.
  - Greeff, A.P. & Malherbe, H.L. (2001), Intimacy and marital satisfaction in spouses. Guilford press. *Journal of sex & marital therapy*, 27, 247-257.
  - Gurman, A.S. (2008), *Clinical handbook of couple therapy*. New York: The Guilford press.

- 
- 
- Heavey, C.L., Larson, B.M., Zumtobel, D.C., & Christensen, A. (1996), The communication patterns questionnaire: The reliability and validity of a constructive communication subscale. *Journal of marriage and the family*, 58, pp: 796-800.
  - Heller, D., Watson, D., & Hies, R. (2004), The role of person versus situation in life satisfaction: A critical examination. *Psychological Bulletin*, 130, 574-600.
  - Hollist, c, s. & Miller, R.B. (2005), Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage . *Family Relations*, 54, 46-58.
  - Huver, R.M., Otten, R., Vries, H., Engels, R.C. (2009), Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal of Adolescence*, 33, 1-8.
  - Jarvis, M.O. (2006), the long term role of newlywed conscientiousness and religiousness in marriage. Unpublished Doctoral Dissertation. *Journal of personality and social psychology*, 38, 668-678.
  - Karem, B.P. & Bradbury, T.N. (2000), Attribution in marriage state or trait? *Journal of personality and social psychology*, 7, 295-309.
  - Kurdek, L.A. (1993), Predicting marital dissolution: A 5 year prospective longitudinal study of newlywed couples. *Journal of Personality and social psychology*, 64, 221-242.
  - Larson, J.H., Anderson, S.M., Holman, T.B & Niemann, B.K. (1998), A longitudinal study of the effects of pre marital communication, relationship stability and self esteem on sexual satisfaction in the first year of marriage. *J sex marital ther.* 24(3):195-206.
  - Lower, L.M. (2005), Couples with young children. in M. Harway (Eds.), *Hand book of couples therapy*. Net work : Wiley.
  - Milkulincer, M., & shaver, P.R. (2003), The attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, and interpersonal processes. In M.P.zanna (Ed.), *advances in experimental social psychology*. Vol, 35. Sandiego: Academic press.

- 
- O'leary, S., & Vidair, B. (2005), Marital adjustment ,child-rearing disagreement, and over reactive parenting: Predicting child behavior problems. *Journal of Family psychology* ,19 ,205-216.
  - Raykov, T., & Marconlides G.A.(2006), A first course in structural equation modeling, 2 nd Edition, Mawwah, N.J: Etlbaum.
  - Rohner, R. (2007), Handbook for the study of parental acceptance and rejection. USA: Rohner research publications.
  - Runcan, P.L & constantineanu, C, Iclics, B, Popa , D. (2012), The role communication in the parent-child interaction. *Procedia. Social and Behavioral sciences*, 46, 904-908.
  - Sanford, k. (2010), Assessing conflict communication in couples comparing the validity of self-report, partner-report, and observer ratings. *Journal of family psychology*, 24(2), 165-174.
  - Schmitt, D.P. (2003), is short-term mating the result of insecure attachment? A test of competing evolutionary perspectives .*Personality and Social Psychology Bulletin*,31,747-768.
  - Selcuk, E., Günaydin, G., Sumer, N., Harma, N., Salman, S., Hazan, C., Dogruyol, B., & Ozturk ,A. (2010), Self-reported romantic attachment style predicts everyday maternal caregiving behavior at home *Journal of Research in Personality* .44 .544-549
  - Shaver, P.R, Hazan, C, & Bradshaw. D. (1988), Love as attachment: The integration of three behavioral systems. In R.J. Strenberg ,&M.Barnes(Eds.), New Haven, CT: yale university Press. *The Psychology of love*, 68-99.
  - Smith, C.L., Spinrad, T.L., Eisenberg, N., Payne, T., K., Gaertner, B.M. & Maxon, E. (2007), Maternal Personality: longitudinal relations to Parenting behavior and maternal emotional expressions toward toddlers. *Parenting Journal of Science and Practice*, 7, 305-329.
  - Sprecher, S., & McKinney, K. (1993), *Sexuality*. Newbury Park, CA: sage.
  - Taraban, C. B., Hendrick, S. S., & Hendrick, C. (1998), Loving and liking. In P. A. Andersen & L. K. Guerrero (Eds.), *Handbook of communication and emotion*, 331-351. San Diego: Academic Press.



- 
- 
- Trudel,G. (2002), Sexuality and marital life: Result of a survey. Journal of sex research ,28,229-249.
  - Walsh,F. (1998), Strengthening family resilience. Newyork: Guilford Press.
  - Ward, M.J., & Carlson, E.A. (1995), Associations among adult attachment representations, maternal sensitivity, and infant-mother attachment in a sample of adolescent mothers. Child development, 66(1), 69-79.
  - Watson, D., Hubbard, B., & wise, D. (2000), General traits of personality and effectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self-and partner-ratings. Journal of personality, 68, 413-449.

